

بسمه تعالی

## چرایی تاریخ نگاری در پرستاری و مامایی

تاریخ و نگاه تاریخی به امور، نقش بنیادینی در تفکر بشر دارد؛ به قول معروف: "آنکه ناموخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار". این مقوله با مفاهیمی چون عمل انسانی، تغییر، تأثیر شرایط مادی و غیرمادی در امور انسانی و رخدادهای تاریخی در ارتباط است و امکان کسب تجربه و بینش از تاریخ را پیش روی ما قرار می‌دهد. تاریخ را می‌توان به‌عنوان مطالعه وقایع از گذشته تا حال تعریف نمود. با این حال تمرکز تاریخ تنها بر مطالعه زمانمندی وقایع نیست، بلکه اثرات و نتایج آن وقایع تا به امروز نیز مدنظر است.

تاریخ پرستاری الگوی مسائلی تکرارشونده‌ای که حرفه در طول زمان نیازمند رویارویی با آنهاست را آشکار می‌کند. هر دهه بینش جدیدی در روش‌های بهتر برآورده کردن چالش‌های حرفه‌ای فراهم می‌کند و ممکن است مطالعه چالش‌های گذشته، منجر به ایجاد بینشی برای رویارویی بهتر با آینده شود. جست‌وجوی هویت حرفه‌ای با ریشه‌های تاریخی و اجتماعی گره خورده است، چراکه آنچه امروز در پرستاری اتفاق می‌افتد تصادفی نبوده و یک گذشته، بافتار و پس‌زمینه‌ای دارد. پرستاران در جست‌وجوی هویت حرفه‌ای خود، نیازمند درک روشن تاریخ خود از "زمان ارائه‌دهندگان مراقبت در گذشته با همان شرایط زیست بوم جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی خود، به‌عنوان افراد مورد نیاز جامعه به مراقبت آنها" هستند.

دانستن تاریخ پرستاری برای هر پرستار و دانشجوی پرستاری ضروری است؛ همان‌گونه که دانستن تاریخچه بیمار برای برنامه‌ریزی و اجرای مراقبت بهینه و مبتنی بر شواهد و فرهنگ بیمار ضروری است، آگاهی از تاریخ حرفه نیز برای برنامه‌ریزی و دستیابی به بهترین آینده حرفه‌ای حیاتی است. آگاهی از تاریخ، مهارت‌های تفکر نقادانه در مورد گذشته و افتخار به تاریخ پرستاری، پرستار و دانشجوی پرستاری را به انجام بهتر وظایف خود در بهبود و استعلا‌ی حرفه‌ای، استحکام در هویت مشترک آنها به‌عنوان پرستار، توجه آنها به موضوعات حساس

مانند نقش نژاد و جنسیت و تأثیر آن بر نیروی کار پرستاری و در نهایت توانایی آنان در مشارکت مؤثر در مدیریت چالش‌های پیش روی ارائه مراقبت سلامتی در گذشته و آینده را افزایش می‌دهد.

## مروری بر آغاز شکل‌گیری پرستاری آکادمیک ایران از آغاز تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی

بسیار پیش از آغاز پرستاری دانشگاهی در ایران، فعل پرستاری از بیماران به شکل تجربی وجود داشته است که با تأسیس بیمارستان‌های خارجی و حضور پرستاران خارجی در ایران به تدریج شکل پرستاری نوین به خود گرفته است. در ایران نیز پرستاری با فراز و فرودهای فراوانی از ابتدای شکل‌گیری خود مواجه و توسعه آن نیز تحت تأثیر متغیرهای تاریخی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی قرار داشته است. پیشینه تاریخی پرستاری که در ایران سابقه‌ای بیش از صد سال دارد، نشان می‌دهد، مراقبت پرستاری از بیماران توسط زنان خانه دار انجام می‌شده است؛ پرسنل بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها غالباً افراد آموزش ندیده بودند و پرستار با مهارت بسیار نادر بود. در نهایت افزایش تعداد بیمارستان‌های ایرانی و خارجی (به ویژه از سال 1905 میلادی مقارن با 1284 ه. ش) و در نتیجه افزایش احساس نیاز به وجود پرستار و آشنایی با پرستاری نوین به واسطه حضور پرستاران خارجی، از یک سو و گسترش مدارس ویژه دختران و افزایش امکان تحصیلات عمومی برای ایشان و همچنین افزایش حضور زنان در اجتماع پس از انقلاب مشروطه و تأسیس روزنامه‌هایی با مخاطب زنان که منجر به آگاهی آنان می‌شد، از سوی دیگر، بسترساز تأسیس مدارس پرستاری گردیدند و پرستاری دانشگاهی ایران به کمک مبلغین مذهبی آغاز شد. کشورهای مختلف مبلغین مذهبی خود را به کشورهای دیگر گسیل داشتند تا علاوه بر تبلیغ مذهبی به مردم نیز خدمت رسانی کنند. علت توجه میسیونرها به موضوع پرستاری از دو جنبه قابل استحصال است؛ اول اعتقاد و باور ایشان به ضرورت آموزش دختران و حضور ایشان در جامعه و دوم لزوم پرداختن به امور درمانی مردم و تأسیس بیمارستان با توجه به اوضاع بهداشتی ضعیف، شیوع بیماری‌های مسری و نیز باورهای غلط در مورد بیماری‌ها بود که در ابتدا منجر به ایجاد نیاز به وجود پرستار برای این بیمارستان‌ها و آموزش غیر-رسمی دختران بدین منظور و در نهایت تأسیس مدارس رسمی پرستاری شد.

سلیمانی (1980) می‌نویسد که میسیونرها، بیمارستان و درمانگاه‌های زیادی را در ایران دایر کردند و همواره در تلاش برای معرفی تکنیک‌های نوین و پیشرفته پزشکی و از بین بردن جادو و خرافات در این زمینه بودند؛ بنابراین به تدریج با تأسیس بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها فقدان پرستار تحصیل کرده بیش از پیش به چشم می‌آمد. با در نظر گرفتن شرایط موجود، آموزش پرستاران همواره در زمره‌ی فعالیت‌های اصلی میسیونرها در محل خدمتشان بوده است. در ایران با توجه به حضور طولانی مدت و پررنگ در شهرهای شمال غرب کشور، فرایند آموزش رسمی پرستاری در این دو شهر رخ داده است. یازده سال پس از ایجاد اولین مدرسه پرستاری خاورمیانه در لبنان، اولین مدرسه پرستاری در ارومیه در سال 1294 ه.ش توسط مبلغان مذهبی آمریکایی تأسیس شد. پس از آن در سال 1295 ه.ش مدرسه پرستاری تبریز تأسیس شد.

با توجه به آغاز آموزش توسط میسیونرها و ویژگی‌های ارائه مراقبت پرستاری از جمله لزوم حضور در اجتماع و ارتباط با نامحرم تا سالها، تنها دختران متعلق به خانواده‌های اقلیت مذهبی امکان حضور در پرستاری را داشتند. پس از آن نیز وضعیت نامطلوب اجتماعی پرستاری و دیدگاه دون انگارانه نسبت به پرستاری از یک سو و محدودیت‌های اجتماعی زنان - که غالباً از فرصت کسب تحصیلات مقدماتی در مدارس برخوردار نبودند- از سوی دیگر، سبب شد که پرستاری با فقدان داوطلبان مناسب برای ورود به مدرسه مواجه شود. در عین حال نبود متولی واحد و رسمی برای آموزش پرستاری منجر به عدم ثبات مدارس و در نتیجه کمبود هرچه بیشتر فارغ التحصیلان پرستاری شد.

با تأسیس وزارت بهداشتی، پیشرفت‌هایی در وضعیت بهداشتی کشور در دهه 1320 ه.ش حاصل شد، اما همچنان بیماریهای واگیر دار بیداد می‌کرد و کمبود بیمارستان، درمانگاه و آموزشگاه و دانشگاه به ویژه در شهرستان‌ها از عمده معضلات سیستم بود. بدین ترتیب بود که اساس نامه و برنامه آموزشگاه عالی بهداشت در تاریخ 11 تیر 1319 به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید و آموزشگاه عالی بهداشتی در این سال در مشهد دایر شد. در سال 1325 تصویب نامه شماره 4373، مورخ 1325/2/15 و تصویب نامه شماره 5700، مورخ

1325/2/24 هیات وزیران در مورد تأسیس آموزشگاه‌های عالی بهداری در شهرستان‌هایی که دانشگاه مقتضی بداند صادر گردید و به موجب تصویب نامه‌های مذکور در شهرستانهای اصفهان و شیراز آموزشگاه‌های عالی بهداری دایر شد. این آموزشگاه‌های عالی بهداشت دوره 4 ساله پزشکی ارائه می‌کردند و فارغ‌التحصیلان آن‌ها که بهدار نامیده می‌شدند در شهرهای بیشتر از ده هزار نفر حق طبابت نداشتند. این آموزشگاه‌ها به عنوان مسکنی برای حل مشکل کمبود نیرو و به خصوص پزشک در شهرستان‌ها بود چراکه از طرفی امکانات وزارت فرهنگ و دانشگاه تهران اجازه تأسیس دانشکده‌های پزشکی در شهرستان‌ها را در آن مقطع نمی‌داد و از طرف دیگر پزشکان موجود نیز حاضر به حضور در شهرستان‌ها نبودند.

حضور بهداران در شهرستانها، زمینه ساز افزایش نیاز به پرستاران و ماماها در این شهرستانها بود، لذا در جلسه 1325/10/18 شورای آموزش دانشگاه، اساس نامه و برنامه آموزشگاه‌های پرستاری و آموزشگاه‌های مامایی شهرستان‌ها به منظور تربیت پرستار و ماما از تصویب گذشت. از آنجا که غالباً بهداری هزینه تحصیل این افراد را تقبل می‌کرد<sup>1</sup>، پرستاران فارغ‌التحصیل موظف بودند در بیمارستان‌های بهداری به مدت شش سال خدمت کنند در غیر اینصورت ملزم به پرداخت هزینه تحصیل بودند. اگرچه این آموزشگاه‌ها بر تعداد پرستاران می‌افزود اما تعداد کم پرستاران هنوز هم جوابگوی نیاز جامعه نبود.

با خروج اتباع امریکایی از ایران (از جمله پرستاران امریکایی) همزمان با تحولات اجتماعی و جنگ جهانی دوم - که تا قبل از این بخش اصلی آموزش پرستاری کشور را برعهده داشتند - گسترش مدارس دخترانه در شهرستان‌ها، بالا رفتن میزان تحصیلات دختران، توسعه مراکز بهداشتی درمانی و نیاز مبرم به پرستاران تحصیل کرده، به تدریج آموزش پرستاری بعد از حدود سه دهه توسط مؤسسات مختلف در سایر مناطق کشور نیز گسترش یافت؛ به طوری که تأسیس مدرسه پرستاری شرکت نفت آبادان، مدرسه پرستاری رشت، کرمانشاه، همدان، مشهد

---

<sup>1</sup> لازم به توضیح است که آموزشگاه‌های عالی بهداری و آموزشگاه‌های مامایی و آموزشگاه‌های پرستاری زیرمجموعه آنها زیر نظر مستقیم دانشکده پزشکی تهران بودند، در عین حال براساس مصوبه مذکور وزارت بهداری و شهرداری موظف به تأمین بودجه و بیمارستان‌های مورد نیاز برای این آموزشگاه‌ها بودند.

و آموزشگاه پرستاری نمازی شیراز بین سال‌های 1320 تا 1333 ه. ش صورت گرفت؛ بنابراین اگرچه با تأسیس دانشگاه تهران، آموزش پزشکی متولی خاص خود را پیدا نمود اما مدیریت جزیره‌ای همچنان رایج‌ترین شکل مدیریت آموزش پرستاری باقی ماند و این بار به جای میسیونرهای خارجی، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف در آموزش پرستاری نقش‌افزینی می‌کردند. تغییرات سریع قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌های آموزشی در سه دهه ابتدایی تاریخ پرستاری موضوعی رایج بوده که نشان از عدم توافق مسئولان در نحوه آموزش پرستاری بوده و به همین دلیل مرتباً طول دوره، معیارهای ورود، نوع واحدها و حتی برچسب فارغ‌التحصیلان در حال تغییر بوده است.

### نقش تأسیس دو آموزشگاه موثر در پیشرفت آموزش پرستاری

پس از دوران پیش‌گفت در سطور بالا، در سال 1327 «آموزشگاه عالی پرستاری شهرری<sup>۲</sup>» تحت نظارت جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تأسیس شد و در جلسه 374 مورخ 1327/12/18 شورای دانشگاه، برنامه آموزشگاه پرستاری اشرف پهلوی<sup>۳</sup> به تصویب رسید و این آموزشگاه نیز در سال 1328 با حمایت مالی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی رسماً آغاز به کار کرد. این دو آموزشگاه به دلایلی که در زیر بحث خواهد شد مبنای تحولات مثبتی در پرستاری ایران شدند. تأسیس این دو آموزشگاه با نظارت دو نفر از اعضای خاندان سلطنتی یعنی اشرف و شمس پهلوی صورت گرفت، حضور این دو نفر در این آموزشگاه خواه ناخواه توجهات زیادی را به سمت حرفه پرستاری چه از طرف مسئولین و چه از طرف مردم ایجاد کرد. این دو آموزشگاه برای اولین بار داوطلبان دارای دیپلم کامل متوسطه را پذیرش کردند، اقتباس برنامه آموزشی از آموزشگاه‌های معتبر خارجی، برنامه آموزشی سه ساله، اعطای مدرک معادل لیسانس، ارتباط با مدارس سایر کشورها (به فراخور حضور مربیان و کارشناسان خارجی و نیز با حمایت سازمان‌های متولی)، لباس متحدالشکل، ارائه دیسپلین خاص در مراقبت و

---

<sup>۲</sup> نام این آموزشگاه بعدها به آموزشگاه عالی رضاشاه کبیر تغییر یافت، این آموزشگاه بعد از انقلاب در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تجمیع شد.

<sup>۳</sup> این آموزشگاه در محل فعلی دانشکده پرستاری و مامای دانشگاه علوم پزشکی تهران واقع بود.

آموزش و تبلیغات انجام شده توسط خاندان سلطنتی در کنار هم این دو آموزشگاه و به ویژه آموزشگاه اشرف را به نماد آموزش پرستاری در کشور در سه دهه آتی تبدیل نمود. با تثبیت دو آموزشگاه در تهران و شهر ری، جایگاه این دو آموزشگاه از صرفاً مکانی برای تربیت پرستار تغییر کرده و به محلی برای نمایش آموزش دانشگاهی، پیشرفت اجتماعی و پیشرفت زنان شد. بدین ترتیب در بسیاری از بازدیدهای سران کشوری و حتی شخص شاه یا ملکه از استان‌های مختلف مانند مشهد، آبادان و... بازدید از مدارس پرستاری نیز در برنامه ایشان قرار داشت. علاوه بر آن در اکثر بازدیدهای سران کشورهای دیگر برنامه‌ای برای بازدید از این آموزشگاه‌ها به ویژه آموزشگاه اشرف نیز ترتیب داده می‌شد. گزارش و بازتاب‌های کشوری و بین‌المللی این بازدیدها به تدریج پرستاری را بین سایر گروه‌های حرفه‌ای و نیز طبقات مختلف سیاسی-اجتماعی کشور مطرح نموده و کلاس اجتماعی این رشته را افزایش داد.

به تدریج و پس از چند سال برنامه آموزشی این دو آموزشگاه‌ها به سایر شهرستان‌ها نیز گسترش یافت تا جایی که در کنفرانس بزرگ پرستاری در تهران تصمیم بر این شد که برخی قوانین موجود در این آموزشگاه‌ها را سراسری اعلام نمایند. آنچه از متون و مصاحبه‌ها بر می‌آید نقش ویژه این دو آموزشگاه و به ویژه آموزشگاه پرستاری اشرف در یکپارچه کردن آموزش پرستاری است. با این حال، همچنان آموزش پرستاری دارای چندین متولی از جمله، وزارت فرهنگ، دانشگاه تهران، جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و نیز به صورت خیلی کم رنگ‌تر برخی بیمارستان‌های میسیونری بود. در این دوران علیرغم اینکه متولیان زیادی در آموزش پرستاری حضور داشتند اما برنامه‌ها شباهت‌های بیشتری با هم داشت.

## سخن آخر

به طور کلی کمبود آموزشگاه و مدرسه، کمبود نیروی مربی، کمبود فارغ‌التحصیل، تنوع متولیان آموزش پرستاری، تنوع برنامه‌های مصوب آموزشی از ویژگی‌های عمده آموزش پرستاری بویژه در 4 دهه ابتدایی تاسیس پرستاری اکادمیک است. پس از آن با گسترش ارتباطات بین‌المللی، افزایش توجه رده‌های بالای حکومت، سیاست

مداران و مردم به پرستاری، آموزشگاههای پرستاری توسعه پیدا کرد و از نظر جغرافیایی نیز در بسیاری از شهرها گسترش یافت و در برنامه آموزشی پرستاری شکل مشخص تری به خود گرفت و برنامه آموزش پرستاری 4 ساله در دهه 1340 تصویب و اجرا شد. یک نکته قابل توجه در بررسی تاریخ پرستاری ایران، تغییر تصویر پرستاری از شغلی دون شان و غیر پاک در بین رده های مختلف اجتماع، به شغلی با کلاس اجتماعی بالا-بویژه در نگاه جامعه تحصیلکرده و سیاسی- در طول حدود 60 سال ابتدایی آن است؛ هرچند تا پایان دوران پهلوی همچنان در بین جامعه مذهبی کشور پرستاری همچنان شغل مطلوبی نبود و نگاه مناسبی نسبت به آن وجود نداشت. بطور کلی تاریخ پرستاری ایران سرشار از فرازها و فرودهایی منشاء گرفته از شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و افراد زیادی برای رسیدن به جایگاه فعلی پرستاری تلاش داشته اند.